

اجزاء حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر

عبدالمجید سودمندی*

چکیده

حق آزادی بیان که می‌توان گفت زمینه‌ساز سایر حقوق بشر است در اولین اسناد حقوق بشری داخلی و بین‌المللی منعکس شده است. با وجود این، تعریف این حق و اهمیت اجزاء و مؤلفه‌های آن در گذر زمان تغییر کرده است. البته می‌توان مدعی شد اکثر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر تعاریف بسیار مشابهی از حق آزادی بیان ارائه داده‌اند. به‌موجب این تعاریف، حق آزادی بیان، حق «هر انسان» است به‌اینکه «اطلاعات» و «نظرهای» خود را با «هر ابزاری» و حتی «در ورای مرزهای ملی» ابراز کند.

البته بعضی از اسناد همچون «اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام» به تمام اجزاء حق آزادی بیان تصریح نکرده و تعریف شفافی از آن ارائه نداده‌اند. اما این اسناد نمی‌توانند ناقض تعریف جامع فوق‌الذکر باشند، زیرا این اسناد الزام‌آور نیستند و کشورهای امضاکننده آنها نیز به اسناد بین‌المللی متضمن حق آزادی بیان و به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته‌اند.

واژه‌های کلیدی: آزادی بیان، دریافت و اشاعه، اطلاعات، نظرها، وسیله ارتباطی.

۱. مقدمه

در ابتدا باید گفت آموزه‌های ادیان الهی، مؤید کلیت حق آزادی بیان هستند. مثلاً در مورد عقاید دین یهود در این خصوص گفته شده است: «در کتاب مقدس ... برای آزادی بیان اشاره خاصی وجود ندارد، اما رفتارهای ارشادی و انتقادی پیامبران بنی اسرائیل به‌عنوان الگوی دیگران در مقابل حکومت‌های زمان را می‌توان نوعی تأیید ضمنی آزادی بیان تلقی نمود.» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۹۲) در خصوص دیدگاه اسلام نیز اظهار شده است: «در مورد آزادی بیان باید گفت که اسلام با این‌گونه آزادی تا حدی که به حقوق دیگران و منافع جامعه اسلامی لطمه نزند موافق است. ... سیره پیامبر اسلام و خلفای راشدین، احترام به آزادی عقیده و بیان و انتقادپذیری بوده است. حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود مردم را دعوت می‌کرد که حرف حق خود را بگویند و مپندارند که او هرگز اشتباه نمی‌کند. اسلام با قبول اصل امر به معروف و نهی از منکر، آزادی بیان را در مسیر مصالح جامعه و جلوگیری از فساد و تباهی قرار می‌دهد.» (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۱-۱۲)

در خصوص انعکاس حق آزادی بیان در اسناد حقوقی نیز باید گفت که اگرچه در بعضی از اسناد قرون وسطی همچون منشور کبیر^۱ انگلستان و حتی بعضی از اسناد باستانی همچون منشور کورش^۲ می‌توان مصادیقی از حقوق بشر را مشاهده کرد، اما این اسناد اشاره‌ای به حق آزادی بیان نکرده‌اند. در مجموع، به نظر می‌رسد منشأ حق آزادی بیان به معنای امروزی به قرن هیجدهم و اعلامیه فرانسوی حقوق بشر و شهروند (Declaration of the Rights of Man and of the Citizen)^۳ به سال ۱۷۸۹ برمی‌گردد. ماده ۱۱ این اعلامیه که اولین سند عام حقوق بشری است بیان می‌کند: «ارتباط آزاد افکار و نظرها یکی از باارزش‌ترین حقوق انسان است؛ بنابراین هر شهروندی می‌تواند آزادانه صحبت کند، مطالبی را بنویسد یا به چاپ برساند، البته در صورتی که مسئولیت خود برای هرگونه سوءاستفاده از این آزادی را آن‌گونه که در قانون تعریف شده است بپذیرد.» از اولین اسناد دیگری که حق آزادی بیان را به

رسمیت شناخته است، اصلاحیه اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (The United States Constitution (and its Amendments)) به سال ۱۷۹۱ است که بیان می‌کند: «کنگره در مورد موضوعات زیر قانون‌گذاری نخواهد کرد: ... محدود کردن آزادی بیان یا مطبوعات؛ یا حق مردم به تشکیل تجمعات مسالمت‌آمیز و طرح دادخواست علیه دولت برای رسیدگی به شکایات.»

البته پیش از دو سند فوق نیز می‌توان «جلوه‌های خاصی» از حق آزادی بیان را در قوانین بعضی از کشورها ملاحظه کرد. مثلاً اعلامیه حقوق مندرج در قانون اساسی ۱۷۷۶ کارولینای شمالی (Constitution of North Carolina) می‌گوید: «ماده ۱۵- آزادی مطبوعات جزء تضمین‌های اصلی آزادی است و هرگز نباید محدود شود. ... ماده ۱۸- مردم حق تشکیل گردهمایی دارند.» ماده ۵ اصول اتحاد (Articles of Confederation) به سال ۱۷۸۱ (که معاهده مؤسس کنفدراسیون آمریکا است) نیز بیان می‌کند: «بحث و اظهارنظر در کنگره، آزاد است و قابل رسیدگی یا محاکمه توسط هیچ دادگاه یا نهادی خارج از کنگره نیست.»

فارغ از موارد فوق که حاکی از ظهور حق آزادی بیان در نظام‌های حقوقی داخلی است، در سطح بین‌المللی نیز حق آزادی بیان از ابتدای جنبش جهانی حقوق بشر و در قالب ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) به رسمیت شناخته شده است. در ضمن، بسیاری از اسناد الزام‌آور حقوق بشری اعم از اسناد جهانی همچون ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (International Covenant on Civil and Political Rights) و اسناد منطقه‌ای همچون ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms) ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (American Convention on Human Rights) و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (African charter on human and peoples' rights) این حق را به رسمیت شناخته‌اند.

با وجود این و به‌رغم تصریح اسناد بین‌المللی حقوق بشر به حق آزادی بیان، دو سؤال اساسی در این مورد مطرح است: اول اینکه آیا اسناد بین‌المللی تعریف مشابهی از این حق ارائه داده‌اند؟ و دوم اینکه آیا تعریف حق آزادی بیان در این اسناد به میزان کافی شفاف است؟ در نوشتار حاضر با بررسی اجزاء حق آزادی بیان در میثاق حقوق مدنی و سیاسی که از مقبولیت بالایی برخوردار است^۴ و نیز با تشریح وجوه تشابه و تمایز میثاق با مهم‌ترین اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، به دنبال پاسخ سؤال‌های فوق هستیم؛ اما پیش از ورود به این بحث، لازم است با اهمیت حق آزادی بیان آشنا شویم.

۲. اهمیت حق آزادی بیان

عوامل مختلفی حاکی از اهمیت حق آزادی بیان هم از نظر ماهوی و هم در گفتمان حقوق بشر است. از جمله این عوامل می‌توان به «آثار حق آزادی بیان» و «نظارت نهادهای بین‌المللی بر حق آزادی بیان» اشاره کرد.

۲.۱. آثار حق آزادی بیان

در مورد نتایج و فواید حق آزادی بیان در چارچوب نظام حقوق بشر، اظهارنظرهای فراوانی شده است، اما شاید بتوان این سخن را جامع تمام آن‌ها دانست: «اجرای حق آزادی بیان، پیش‌نیاز ضروری است برای پیشرفت دموکراسی و تحقق دیگر مصادیق حقوق بشر.» (Simons, ۲۰۰۶: ۱۶) در توجیه این نظر می‌توان به این گفته گزارشگر آزادی بیان استناد کرد که: «حقوق بشر جز با یک اقدام عمومی ترویج نخواهد شد. مردم باید از ارزش این حقوق آگاه شوند. فقط از طریق بحث آزاد و عمومی می‌توان اعتقاد به این حقوق را محقق کرد.» (Hussain, ۱۹۹۵: ۱۳۹) اظهارنظر نهادهای حقوق بشری در چارچوب فعالیت تخصصی‌شان نیز مؤید نظریه فوق است. مثلاً گزارشگر آزادی دین یا عقیده می‌گوید: «حق آزادی دین یا عقیده به

اجرای کامل دیگر مصادیق حقوق بشر نیاز دارد، از جمله حق آزادی تشکیل انجمن و حق آزادی بیان.» (Jahangir & Diène, ۲۰۰۶: ۴۱)

اگرچه اظهارات فوق حاکی از اهمیت عام حق آزادی بیان است، اما نمی‌توان انکار کرد که اهمیت مؤلفه‌های حق آزادی بیان در گذر زمان تغییر کرده است. مثلاً در اولین دهه کار سازمان ملل که هنوز سیاستمداران و حقوقدانان تحت تأثیر وقایع جنگ جهانی دوم بودند، تأکید زیادی بر حق آزادی اطلاعات بود و سایر جنبه‌های حق آزادی بیان مورد اغفال بود. (Ligabo, ۲۰۰۵: ۱۷) این نگرش در بعضی از قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل نیز منعکس شده است. مثلاً مجمع عمومی در سال ۱۳۴۶ اظهار داشته است: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری و معیار تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن‌ها کرده است.»^۵ (UN General Assembly Resolution ۵۹(I), ۱۹۴۶: ۱) اما امروزه ضمن بقای اهمیت آزادی اطلاعات، بر سایر جنبه‌های حق آزادی بیان نیز تأکید می‌شود.

در مورد فلسفه وجودی حق آزادی بیان و اهمیت ماهوی آن نیز بحث‌های مفصلی صورت گرفته است و شاید بتوان اظهارات جان استوارت میل^۶ را جامع آن‌ها دانست. او در لزوم بهره‌مندی از حق آزادی بیان به چهار دلیل زیر استناد کرده است: «۱. اگر مانع بیان نظری شویم هرگز از صحت و سقم آن آگاه نخواهیم شد، درحالی‌که ممکن است آن نظر، صحیح باشد. در واقع، نپذیرفتن امکان صحت نظر دیگران، به این معنی است که خود را لغزش ناپذیر می‌دانیم. ۲. حتی اگر نظری که مانع بیان آن شده‌ایم، اشتباه باشد، ممکن است - و اغلب هم این‌طور است - که بخشی از آن حقیقت داشته باشد. در واقع، چون اصولاً نظرهای رایج و غالب، به‌ندرت شامل تمام حقیقت هستند، فقط تعامل نظرهای مختلف است که فرصت ظهور مابقی حقیقت را می‌دهد. ۳. حتی اگر نظر رایج، نه‌تنها صحیح بلکه شامل کل حقیقت باشد، توسط کسانی که آن را پذیرفته‌اند به‌صورت نظری تعصبی در می‌آید به‌طوری‌که درک و احساس کمی نسبت به دلایل منطقی آن خواهند داشت، مگر اینکه این نظر به‌طور جدی مورد مخالفت قرار

گیرد. ۴. عدم تقابل نظرها همچنین باعث می‌شود که خود نظریه نیز در معرض نابودی یا تضعیف قرار گیرد و از تأثیر آن بر صفات و اعمال مردم، کاسته می‌شود. (Mill, ۱۸۵۹: ۳۰)

همان‌طور که اظهارات استوارت میل گویا است، آزادی بیان همانند سایر حقوق بشر دارای ارزش ذاتی نیست، بلکه ارزش آن در نتایج حاصل از آن است. این موضوع در اظهارات سایر متفکران نیز منعکس شده است. مثلاً یکی از فلاسفه مسلمان می‌گوید: «آزادی بیان عقیده و آزادی قلم و آزادی سیاسی و آزادی مذهب و غیرذلک، با اینکه عامل لذت و نشاط هستند، اما جنبه وسیله‌ای آن‌ها ... منطقی‌تر از جنبه هدفی آن‌ها است. ... ارزش آزادی به آن حالت روانی مستند نیست که انسان قدرت انتخاب موضوعی و راهی را از میان موضوع‌ها و راه‌های گوناگون و متعدد داشته باشد، بلکه ارزش آزادی با موضوع و راه انتخاب‌شده تعیین می‌گردد. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۷)

با وجود این، به‌رغم اتفاق نظر کلی متفکران در خصوص ارزش ذاتی و یا ابزاری حقوق بشر و از جمله حق آزادی بیان، نمی‌توان انکار کرد که نقطه آغاز اختلاف نظر متفکران جهان سوم و به‌ویژه متفکران مسلمان از یک طرف و متفکران جهان غرب از طرف دیگر، در همین موضوع نهفته است. در واقع، تمایز یا تداخل مفاهیم «حق بودن» و «حق داشتن» منجر به اختلاف نظرهای شدیدی درباره مبانی حقوق بشر و در نتیجه گستره اعمال این حقوق شده است. در این خصوص گفته شده است: «در تحلیل مفهوم حق، تفکیک بین دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» به نظر ضروری می‌رسد. مفهوم اول از حق، گرچه در حوزه مباحث مرتبط با ارزش (خوب‌ها و بدها) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما بایستی توجه داشت حق به معنای ... «حق داشتن» است که موضوع گزاره‌های حقوق بشری قرار می‌گیرد. ... تأمل در ادبیات و ریشه‌های معرفتی گفتمان مخالف حقوق بشر به‌خوبی نشان خواهد داد که بسیاری از مخالفت‌ها، در عدم تفکیک دقیق بین این دو مفهوم ریشه دارد.» (سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۱۸)

اظهارات یکی از متفکران مسلمان در انتقاد از حق آزادی بیان مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، مؤید موضوع فوق است. ایشان می‌گوید: «فاجعه این است که از آن

هنگام که آزادی مطلق بیان در جوامع تجویز شد، ... درست است که در میان امور بیان‌شده، حقایقی نیز وجود داشت ولی آن‌قدر مطالب احمقانه و خودمحرانه بیرون آمد ... که رنگ اکثریت قریب به اتفاق حقایق انسانی و اصول ارزشی ناشی از هستی‌شناسی، مات شد.» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۳۰-۴۳۱)

در مجموع، با توجه به اینکه حق آزادی بیان همانند اکثر قریب به اتفاق حقوق بشر، یک حق مطلق نیست، اختلاف‌های نظری فوق‌الذکر نمی‌تواند در عمل منجر به اختلاف اساسی شود. در واقع، به‌موجب اسناد بین‌المللی همچون بند ۳ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که ابراز می‌دارد: «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف- احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی»، می‌توان آزادی بیان را محدود کرد؛ فقط کافی است چنین محدودیتی با این شرایط سه‌گانه باشد: ۱. محدودیت حق آزادی بیان مبتنی بر یک قانون باشد، ۲. محدودیت مذکور با هدف حفظ و احترام به «حقوق یا حیثیت دیگران»، «امنیت ملی»، «نظم عمومی»، «سلامت عمومی» یا «اخلاق عمومی» باشد، ۳. محدودیت مذکور برای حفظ یا ترویج هدف مورد نظر، ضروری باشد.^۷ البته هنوز هم درباره گستره اهداف محدودکننده آزادی بیان و به‌ویژه «اخلاق عمومی» اختلاف نظر وجود دارد.

۲.۲. نظارت نهادهای بین‌المللی بر حق آزادی بیان

تلاش‌های گسترده نهادهای بین‌المللی برای نظارت بر اجرای حق آزادی بیان نشانه دیگری است بر اهمیت این حق. در این خصوص می‌توان گفت آغاز فعالیت‌های نهادهای جهانی جهت نظارت بر حق آزادی بیان به اقدامات کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها^۸ در اواخر دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۸۷ گزارشگر این کمیسیون^۹ گزارشی در مورد توقیف افراد به دلیل استفاده از حق آزادی

بیان تهیه کرد.^{۱۰} به دنبال آن، گزارش دیگری توسط یکی دیگر از گزارشگران این کمیسیون^{۱۱} ارائه شد.^{۱۲} این دو گزارشگر در سال ۱۹۹۰ گزارش مشترکی به کمیسیون فرعی ارائه دادند^{۱۳} که منجر به مصوبه ۱۹۹۰/۱۱۷ شد. کمیسیون فرعی در این مصوبه، بر لزوم تقویت و ترویج حق آزادی بیان تأیید کرد. (Ligabo, ۲۰۰۵: ۱۹-۲۲)

بعد از اتمام فعالیت‌های کمیسیون فرعی در زمینه نظارت بر اجرای حق آزادی بیان، کمیسیون حقوق بشر این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و طی قطعنامه ۱۹۹۳/۴۵ (UN Commission on Human Rights Resolution ۱۹۹۳/۴۵) گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حق آزادی نظر و بیان^{۱۴} را پایه‌گذاری کرد. این گزارشگر همانند هر گزارشگر موضوعی تا زمان بقای کمیسیون حقوق بشر، گزارش‌های سالانه خود را به کمیسیون ارائه می‌داد. بعد از جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ نیز طبق تصمیم این شورا، این گزارشگر همچنان پابرجا است و گزارش‌های خود را به شورا ارائه می‌دهد.

در سطح منطقه‌ای نیز گزارشگران ویژه‌ای در خصوص نظارت بر حق آزادی بیان ایجاد شده‌اند. این گزارشگران عبارت‌اند از: نماینده آزادی رسانه‌ها^{۱۵} وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا، گزارشگر ویژه آزادی بیان^{۱۶} وابسته به سازمان کشورهای آمریکایی و گزارشگر ویژه آزادی بیان^{۱۷} وابسته به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها.

اکنون که با اهمیت حق آزادی بیان آشنا شدیم، لازم است به منظور آشنایی با گستره این حق، به تشریح اجزاء آن بپردازیم.

۳. اجزاء حق آزادی بیان

با اتکا به اسناد بین‌المللی متضمن حق آزادی بیان و از جمله ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^{۱۸} می‌توان گفت اجزاء حق آزادی بیان عبارت‌اند از: ۱. هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است، ۲. حق آزادی بیان شامل حق جستجو کردن، دریافت کردن و اشاعه دادن اطلاعات و نظرها است، ۳. حق آزادی بیان شامل هر نوع اطلاعات و

نظری می‌شود، ۴. حق آزادی بیان به مرزهای ملی محدود نمی‌شود، ۵. ابزار آزادی بیان شامل هر وسیله ارتباطی است، ۶. دولت‌ها موظف‌اند ضمن احترام به حق آزادی بیان، آن را تضمین کنند.

۳.۱. هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با این عبارت شروع می‌شود که: «هرکس حق آزادی بیان دارد.»^{۱۹} بنابراین حق آزادی بیان به همه افراد تعلق دارد. اصولاً آن‌گونه که ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصریح کرده است تمام حقوق مذکور در میثاق، شامل تمام افراد حاضر در قلمرو کشورهای طرف میثاق می‌شود و نباید هیچ‌گونه تمایزی بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها بین افراد گذاشته شود.

لازم به ذکر است که میثاق حقوق مدنی و سیاسی، تمایز مبتنی بر اصل و منشأ ملی (تابعیت) را در یک مورد به رسمیت شناخته شده و آن حق رأی دادن و حق کاندید شدن است،^{۲۰} اما در خصوص حق آزادی بیان، میان اتباع و غیر اتباع کشور تفاوتی قائل نشده است.

سایر اسناد بین‌المللی همچون ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination) ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و ماده ۲۷ منشور عربی حقوق بشر^{۲۱} (Arab Charter on Human Rights) نیز بر بهره‌مندی تمام انسان‌ها از حق آزادی بیان تأکید کرده‌اند. حتی اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام (The Cairo Declaration on Human Rights in Islam) که تعریف دقیقی از حق آزادی بیان ارائه نداده است، حق آزادی بیان را حق همه انسان‌ها دانسته و در بند الف از ماده ۲۲ بیان می‌کند:

«هرکس حق دارد نظر خود را آزادانه و به صورتی که برخلاف اصول شریعت نباشد بیان کند.»

لازم به ذکر است اسناد بین‌المللی حامی گروه‌های خاص، حق آزادی بیان را نیز در مورد همین گروه‌ها به رسمیت شناخته‌اند. مثلاً بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها (International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their Families) بیان می‌کند: «کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها حق آزادی بیان دارند.» همچنین نگاه کنید به ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک (Convention on the Right of the Child).

یکی از نکات مهمی که در خصوص ویژگی فوق مطرح می‌شود این است که آیا اشخاص حقوقی نیز از حق آزادی بیان بهره‌مند هستند یا نه؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که اگرچه در نظر اول، به دلیل استفاده از واژه بشر^{۲۲} در اصطلاح «حقوق بشر»، این گونه به نظر می‌رسد که فقط اشخاص حقیقی از حقوق مذکور در اسناد حقوق بشر بهره‌مند هستند، اما واقعیت خلاف این است؛ زیرا طبق نص اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بعضی از مصادیق حقوق بشر شامل اشخاص حقوقی و یا حتی منحصر به آن‌ها است. مثلاً طبق ماده ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حق بر خودمختاری^{۲۳} حق ملت‌ها است. ماده ۴۷ این میثاق نیز تمتع از منابع و ثروت‌های طبیعی را حق ملت‌ها دانسته است. ماده ۸ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) نیز تشکیل فدراسیون را حق اتحادیه‌ها می‌داند. در ضمن، نهادهای بین‌المللی نیز بر شمول حقوق بشر بر اشخاص حقوقی، تصریح کرده‌اند. مثلاً دیوان اروپایی حقوق بشر درباره بهره‌مندی شرکت‌ها از حق آزاد بیان، اظهار داشته است: «به نظر دیوان، نه وضعیت حقوقی خواهان به‌عنوان یک شرکت با مسئولیت محدود و نه این واقعیت که فعالیت‌های آن تجاری بوده است و نه ماهیت ذاتی حق آزادی بیان

نمی‌تواند این شرکت را از حمایت ماده ۱۰ محروم کند.» (European Court of Human Rights, ۱۹۹۰: ۴۷)

در مجموع، ویژگی فوق حاکی از این است که تمام اشخاص اعم از اتباع و غیر اتباع و اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت یکسان از حق آزادی بیان برخوردار هستند.

۳.۲. حق آزادی بیان شامل حق جستجو کردن، دریافت کردن و اشاعه دادن اطلاعات و نظرها است

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ادامه تعریف حق آزادی بیان می‌گوید: «این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار ... است.»^{۲۴} همان‌طور که این عبارت گویا است، حق آزادی بیان دارای دو جنبه کاملاً متفاوت است. جنبه اول، حق «نشر و اشاعه» اطلاعات و نظرها است که وجه آشکار و مأنوس آزادی بیان است. این جنبه از حق آزادی بیان، به این معنا است که آنچه یک نفر می‌اندیشد یا می‌داند را به دیگران منتقل کند؛ اما جنبه دوم حق آزادی بیان، حق «جستجو و دریافت» اطلاعات و نظرها است. البته آن‌گونه که نهادهای بین‌المللی اشاره کرده‌اند شمول حق جستجو و دریافت اطلاعات و نظرها در تعریف آزادی بیان، دور از ذهن است. (Hussain, ۱۹۹۵: ۲۸)

در هر حال، اصولاً اسناد بین‌المللی، حق آزادی بیان را منحصر به اشاعه اطلاعات و افکار ندانسته‌اند بلکه این حق را شامل جستجو و دریافت اطلاعات و افکار نیز می‌دانند. به عنوان مثال می‌توان به این اسناد اشاره کرد: ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها.^{۲۵}

از جمله نتایج حق جستجو و دریافت اطلاعات که هر روز از مقبولیت بیشتری برخوردار می‌شوند می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. افراد حق دارند به مدارک نهادهای حکومتی دسترسی داشته باشند، ۲. دولت‌ها موظف‌اند اطلاعات مهم را منتشر

و درخواست افراد برای دسترسی به مدارک دولتی را اجابت کنند. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۰ فقط ۱۳ کشور در قوانین خود به افراد حق می‌دادند به اطلاعات موجود در نهادهای دولتی دسترسی داشته باشند، در حالی که در سال ۲۰۰۶ حدود ۷۰ کشور دارای چنین قوانینی بودند. (Simons, ۲۰۰۶: ۱۷۹) بعضی از اسناد کارشناسی همچون «اصول ژوهانسبورگ در مورد امنیت ملی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات»^{۲۶} نیز به تبیین حقوق یادشده پرداخته‌اند.^{۲۷}

نکته قابل تأمل و دور از ذهن دیگر در خصوص حق آزادی بیان این است که سکوت نیز جزئی از حق آزادی بیان است؛ به عبارت دیگر، افراد نه تنها با استناد به حق آزادی بیان می‌توانند نظرها و اطلاعات خود را اشاعه دهند بلکه می‌توانند از افشاء نظر و اطلاعات خودداری کنند. در این مورد گفته شده است که: «تأکید بر حق آزادی بیان به این معنی است که هر فردی بتواند تصمیم بگیرد چه نظرها و اطلاعاتی دارای ارزش سهیم شدن با دیگران است؛ بنابراین منطقی است که حق آزادی بیان شامل حق عدم صحبت کردن نیز می‌شود. اصولاً حکومت نباید شهروندان خود را ملزم کند اطلاعات و نظرهایی که مورد حمایت ایشان نیست و یا اشتباه یا بی‌فایده می‌دانند را ابراز دارند.» (Simons, ۲۰۰۶: ۱۷۰)

آرای قضایی نیز حق سکوت را تأیید کرده‌اند. مثلاً دیوان عالی آمریکا، قانون ایالت نیوهمپشایر مبنی بر اینکه افراد موظف‌اند عبارت «آزاد زندگی کن یا بمیر» را بر روی خودروی خود نصب کنند باطل کرد و اعلام داشت: «طبق قانون اساسی، ایالت‌ها حق ندارند افراد را ملزم کنند با نمایش پیام‌های ایدئولوژیکی بر روی اموال شخصی‌شان با هدف و شیوه‌ای که توسط دیگران دیده و خوانده شود، در اشاعه این پیام‌ها مشارکت کنند.» (US Supreme Court, ۱۹۷۷: ۷۰۵-۷۰۶)

البته حق سکوت نیز نمی‌تواند مطلق باشد. مثلاً طبق قوانین داخلی بسیاری از کشورها، شهروندان موظف‌اند فرم‌های مالیاتی خود را تکمیل کنند، شرکت‌های داروسازی باید آثار جانبی داروهای خود را اعلام کنند و شهود باید در دادگاه گواهی

دهند. در مجموع، می‌توان گفت منطقی است که معتقد باشیم شروط سه‌گانه ایجاد محدودیت بر آزادی بیان، درباره محدود کردن حق سکوت و وظیفه افشاء اطلاعات نیز به کار می‌رود. (Simons, ۲۰۰۶: ۱۷۰)

با توجه به توضیحات فوق و به‌طور خلاصه می‌توان گفت آزادی بیان دارای دو جزء «جستجو و دریافت» و «اشاعه» اطلاعات و نظرها است. در ضمن، سکوت کردن نیز جزئی از حق آزادی بیان محسوب می‌شود.

۳.۳. حق آزادی بیان شامل هر نوع اطلاعات و نظری می‌شود

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در تعریف حق آزادی بیان، می‌افزاید: «این حق شامل ... اطلاعات و افکار از هر قبیل ... است.»^{۲۸} از این عبارت استنباط می‌شود که حق آزادی بیان فقط شامل اطلاعات و نظرهایی که عموماً مفید یا صحیح دانسته می‌شوند، نیست بلکه در مورد هر واقعیت یا نظری که قابل گفت و شنود باشد اعمال می‌شود. کمیته حقوق بشر در این مورد می‌گوید: «بند دوم ماده ۱۹ میثاق شامل هر نوع نظر و ایده شخصی قابل انتقال به دیگران می‌شود ... و شامل اخبار و اطلاعات، اعلانات و تبلیغات تجاری، کارهای هنری و غیره است. این ماده نباید به اظهارنظر در امور سیاسی، فرهنگی یا هنری محدود شود.» (UN Human Rights Committee, ۱۹۸۹: ۳-۱۱)

بنابراین به صرف اینکه نظری مورد تنفر است یا تصور می‌شود که اشتباه است نمی‌توان مانع بیان آن شد. دیوان اروپایی در این خصوص می‌گوید: «آزادی بیان نه فقط درباره اطلاعات و نظرهایی که به‌صورت مطلوب مورد پذیرش است یا غیر زنده و یا بی‌اهمیت محسوب می‌شود به کار می‌رود بلکه شامل اطلاعات و نظرهایی که تمام یا بخشی از جمعیت کشور را آزار می‌دهد، شوک می‌دهد و یا نگران می‌کند^{۲۹} نیز می‌شود.» (European Court of Human Rights, ۱۹۷۶: ۴۹)

نکته قابل تأمل دیگر در خصوص ویژگی فوق این است که هرچند اسناد بین‌المللی و از جمله ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، موضوع آزادی بیان را

اطلاعات^{۳۰} و نظرها^{۳۱} دانسته‌اند، اما می‌توان مواردی را مثال زد که موضوع بیان، چیزی غیر از اطلاعات و نظر است. مثلاً هنرمندی که به قصد سرگرمی افراد، آثاری را خلق می‌کند خواستار انتقال اطلاعات یا نظر خاصی نیست، هرچند این عمل او در محدوده حق آزادی بیان است. بر همین اساس، یکی از قضات دیوان اروپایی^{۳۲} می‌گوید: «اگرچه حق آزادی بیان شامل آزادی جستجو، دریافت یا اشاعه اطلاعات و نظرها است، اما ممکن است شامل امور دیگری هم باشد. تجلیات بیرونی شخصیت انسان ممکن است اشکال متفاوتی به خود بگیرد که نمی‌توان تمام آن‌ها را در دسته‌های فوق‌الذکر قرار داد.» (European Court of Human Rights, ۱۹۸۸: Annex)

البته افرادی هستند که برخلاف نص اسناد بین‌المللی و در تعارض با نظر نهادهای بین‌المللی که نمونه‌ای از آن‌ها را در فوق ملاحظه کردیم، آزادی بیان را فقط شامل آزادی ارائه اطلاعات دانسته‌اند و نه آزادی ابراز نظر. مثلاً یکی از متفکران ایرانی می‌گوید: «فلسوفان زبان بحثی دارند که ما وقتی سخن می‌گوییم، گاهی با سخن گفتن خود، کاری انجام می‌دهیم؛ به عبارت دیگر، گاه سخن ما خبر از چیزی است و گاه خبر نیست، بلکه کاری است. اگر من بگویم «زمین به دور خورشید می‌گردد»، این خبر است؛ اما گاهی من سخنی می‌گویم که خبری نیست، بلکه یک فعل است، یک کار است. مثلاً وقتی می‌گویم «این رفتاری را که شما انجام می‌دهید محکوم می‌کنم» یا «تحسین می‌کنم»، در اینجا دیگر خبر نمی‌دهم. همین گفتن من عین محکوم کردن یا تحسین کردن است. ... وقتی ما می‌گوییم آزادی بیان، فقط آزادی بیان را می‌گوییم نه آزادی فعل را. ... حق آزادی بیان شامل حق آزادی عملی نمی‌شود. حق آزادی عمل، مقوله جدایی است که باید جداگانه آن را مورد بحث قرار داد، اما چون بعضی از عمل‌ها گفتاری است، یعنی صورت گفتار دارند، اما واقعشان یک عمل است، آن‌ها خارج از محدوده بحث ما قرار می‌گیرند. افترا زدن یک عمل است نه یک بیان. ناسزا گفتن، لعن کردن، تقبیح کردن، محکوم کردن، تحسین کردن و کثیری از این‌ها عمل‌اند، بیان نیستند. لذا وقتی می‌گوییم آزادی بیان، باید راحت بفهمیم که شامل آزادی ناسزا

گفتن نمی‌شود، شامل آزادی افترا زدن نمی‌شود، ولی شامل آزادی دروغ گفتن می‌شود، چون دروغ گفتن عمل نیست، خبر است.» (سروش، ۱۳۸۲: ۵-۶) همان‌طور که ملاحظه می‌شود این نویسنده، معتقد است آزادی بیان فقط شامل آزادی دریافت و اشاعه «اطلاعات» است؛ این در حالی است که یک جنبه بسیار مهم آزادی بیان، آزادی ابراز «نظر و عقیده» است که احتمالاً همراه با تقبیح و تحسین رفتار و عقاید دیگران خواهد بود و نمی‌توان آن را خارج از محدوده آزادی بیان دانست.^{۳۳} همچنین در رد نظر فوق باید گفت که طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر، آزادی بیان فقط شامل اعمال زبانی نیست بلکه شامل هر عملی که بیان‌گر اطلاعات و افکار افراد است نیز می‌شود.^{۳۴}

در هر حال، اصولاً اسناد بین‌المللی و از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق آزادی بیان را شامل دریافت و اشاعه «اطلاعات و نظرها» دانسته‌اند. البته به نظر می‌رسد بعضی از اسناد بین‌المللی فقط به یکی از این جنبه‌های حق آزادی بیان اشاره کرده‌اند. مثلاً ماده ۴ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان در تعریف حق آزادی بیان، به اشاعه اطلاعات تصریح نکرده است.^{۳۵}

در مجموع، می‌توان گفت آزادی بیان هم شامل «اطلاعات و اخبار» و هم شامل «نظرها و افکار شخصی» است. در ضمن، شرط بهره‌مندی از حق آزادی بیان این نیست که اطلاعات و نظرهای ارائه‌شده، مفید باشد بلکه بیان اطلاعات و نظرهای نامفید و حتی آزاردهنده نیز آزاد است، البته در صورتی که چنین سخنانی، منجر به نقض محدودیت‌های مجاز آزادی بیان نشوند. تجزیه و تحلیل موضوع اخیر که مستلزم بررسی شرایط اعمال محدودیت بر آزادی بیان و اهداف چنین محدودیتی است، خارج از بحث نوشتار حاضر است.

۳.۴. حق آزادی بیان به مرزهای ملی محدود نمی‌شود

این عبارت از بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که بیان می‌کند: «بدون توجه به سرحدات»^{۳۶} حاکی از این است که حق آزادی بیان به مرزهای ملی محدود نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، کشورها باید اجازه دهند تمام افراد حاضر در قلمرو حاکمیتی آنها، اطلاعات و نظرهای خود را به کشورهای دیگر اشاعه دهند و اطلاعات و نظرها را از کشورهای دیگر دریافت کنند. البته بدیهی است که استفاده از حق آزادی بیان در چنین مواردی به هر دو کشور مبدأ و مقصد مربوط می‌شود و عدم رعایت مقررات محدودکننده آزادی بیان در هریک از این دو کشور می‌تواند منجر به برخوردهای قانونی شود. در همین راستا و با توجه به اینکه استفاده از حق آزادی بیان در موارای مرزها می‌تواند منجر به تنش میان کشورها شود، معاهدات بین‌المللی بعضی از جنبه‌های این حق را به نظم درآورده‌اند. مثلاً کنوانسیون اروپایی پخش برنامه‌های تلویزیونی فرامرزی (European Convention on Transfrontier Television)، کشورهای عضو را ملزم می‌کند از پخش برنامه‌های هرزه یا برنامه‌هایی که موجب تحریک تنفر نژادی می‌شوند، خودداری کنند.

در هر حال، اصولاً اسناد بین‌المللی و از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به فرامرزی بودن حق آزادی بیان تصریح کرده‌اند. البته بعضی از اسناد بین‌المللی همچون ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها و ماده ۴ اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان، به این جزء مهم حق آزادی بیان تصریح نکرده‌اند.

۳.۵. ابزار آزادی بیان شامل هر وسیله ارتباطی است

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد شیوه و ابزار آزادی بیان می‌گوید: «خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله

دیگر به انتخاب خود».^{۳۷} همان‌طور که ملاحظه می‌شود ماده ۱۹ میثاق، ابتدا چند شیوه یا ابزار مورد استفاده در حق آزادی بیان را نام می‌برد، اما در آخر، با به کار بردن «هر وسیله دیگر» به آن عمومیت می‌دهد؛ بنابراین، ابزار مورد استفاده در اعمال حق آزادی بیان شامل هر وسیله ارتباطی همچون روزنامه، مجله، کتاب، جزوه، رادیو، تلویزیون، اینترنت، اثر هنری و گردهمایی عمومی می‌شود و ممکن است با پیشرفت فناوری شامل ابزار دیگری بشود.

نکته قابل تأمل در خصوص ابزار مورد استفاده در حق آزادی بیان، این است که پیشرفت فناوری و اختراع ابزار جدید، آثار متفاوت و بعضاً متضادی بر حق آزادی بیان داشته است. مثلاً گستردگی، ارزانی، سرعت و سادگی استفاده از ابزار جدید به‌ویژه اینترنت، موجب تأمین بهتر حق آزادی بیان برای عموم شده است اما از طرف دیگر، این تحول، موجب افزایش خطر سوءاستفاده از حق آزادی بیان شده است؛ بنابراین اختراع ابزار قابل استفاده در آزادی بیان، قوانین جدیدی را می‌طلبد که بتوانند ضمن تأمین کثرت‌گرایی عرصه اطلاعات و اخبار، از وقوع نقض عوامل محدودکننده آزادی بیان جلوگیری کنند. گزارشگر آزادی بیان در این خصوص می‌گوید: «فناوری‌های جدید و به‌ویژه اینترنت، ابزار مهمی هستند که می‌باید در راستای احترام به حقوق و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین تا حدی که عدم توازن شدید بین فقرا و ثروتمندان یا بین جوامع توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، در دسترسی و استفاده سازنده از این ابزار وجود دارد، این اصل به‌طور کامل رعایت نشده است.» (Hussain, ۲۰۰۱: ۶۳) یکی دیگر از گزارشگران آزادی بیان نیز می‌گوید: «اینترنت، فرصت منحصر به فردی است برای گشودن فضای رو به رشد مبادله اطلاعات و نظرها. ... البته تأسیس یک سازمان بین‌المللی دولتی برای مدیریت اینترنت می‌تواند در مقابله با افزایش پدیده هرزه‌نگاری کودکان، بهره‌برداری جنسی از زنان، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی، سخنان نفرت‌زا و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر، کارساز باشد.» (Ligabo, ۲۰۰۶: ۳۷-۳۸)

در هر حال، اکثر اسناد بین‌المللی همچون ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده

۱۳ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر با مجاز دانستن استفاده از «هر وسیله ارتباطی» در آزادی بیان یا با اشاره به مهم‌ترین ابزار و شیوه‌های اعمال حق آزادی بیان، به ویژگی فوق تصریح کرده‌اند. البته بعضی از اسناد بین‌المللی همچون ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها و اعلامیه شورای اروپا در مورد آزادی بیان و اطلاعات (Declaration on the Freedom of Expression and Information)^{۳۸} به ویژگی فوق تصریح نکرده‌اند، اما با توجه به اینکه این اسناد، استفاده از ابزار خاصی را در اعمال حق آزادی بیان ممنوع نکرده‌اند، می‌توان گفت که آن‌ها نیز استفاده از هر وسیله‌ای را در بهره‌مندی از حق آزادی بیان، مجاز می‌دانند.

۳.۶. دولت‌ها موظف‌اند ضمن احترام به حق آزادی بیان، آن را تضمین کنند

در توضیح ویژگی فوق باید گفت که حقوق بشر به دو دسته حقوق مثبت و حقوق منفی تقسیم می‌شوند. حقوق منفی، حقوقی هستند که اصولاً برای تأمین آن‌ها نیازی به مداخله دولت نیست و فقط کافی است دولت مانع اعمال این حقوق نشود؛ اما حقوق مثبت، حقوقی هستند که تأمین آن‌ها بدون مداخله فعال دولت محقق نمی‌شود. اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که حق آزادی بیان جزء کدام یک از این دو دسته است؟

به نظر می‌رسد بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به این سؤال پاسخ داده است. این ماده بیان می‌کند: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته‌شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان ... «محترم شمرده و تضمین کنند»^{۳۹}. با توجه به این عبارت، می‌توان گفت تمام حقوق مذکور در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و از جمله حق آزادی بیان به‌رغم شهرت به حقوق منفی،^{۴۰} فقط متضمن تعهدات منفی (عدم مداخله) دولت‌ها نیستند، بلکه دولت‌ها

موظف‌اند جهت تضمین این حقوق، اقدامات مثبت عملی نیز اتخاذ کنند. در مجموع، دولت‌ها می‌توانند با انجام یکی از اقدامات زیر این وظیفه را انجام دهند:

۱. اقداماتی با هدف فراهم کردن امکانات لازم برای اظهارنظر عموم افراد و گروه‌ها. از جمله این اقدامات، زمان‌بندی برنامه‌های رادیو و تلویزیون دولتی با هدف طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف و پرداخت یارانه به مطبوعات جهت حفظ قدرت گروه‌های مختلف برای انتشار افکار و نظراتشان است. در همین راستا، گزارشگر آزادی بیان بر لزوم تضمین عدم تسلط هیچ زبان و فرهنگی در اینترنت تأکید می‌کند. (Hussain, ۱۹۹۹: ۳۳)

۲. برخورد با افرادی که موجب محدودیت غیرقانونی حق آزادی بیان می‌شوند. در صورت وقوع چنین حوادثی، عدم توسل دولت به اقدامات مؤثر همچون بازداشت افراد متخلف و محاکمه آن‌ها، مسئولیت دولت را به دنبال خواهد داشت. مثلاً ماده ۹ اعلامیه بین‌آمریکایی اصول آزادی بیان (Inter-American Declaration of Principles on Freedom of Expression) مقرر می‌دارد: «قتل، آدم‌ربایی، ارباب و یا تهدید گزارشگران اجتماعی و نیز تخریب ابزار ارتباطی، موجب نقض حقوق اساسی افراد و محدودکننده حق آزادی بیان است. این وظیفه دولت است که از چنین اتفاقاتی جلوگیری کرده و در صورت بروز آن‌ها، به‌منظور مجازات عاملان و تضمین دریافت غرامت مناسب توسط قربانیان، تحقیقات لازم را انجام دهد.»

به غیر از میثاق حقوق مدنی و سیاسی، اسناد بین‌المللی دیگر همچون ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها، ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۲۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها نیز با عبارات مختلفی به لزوم تضمین حق آزادی بیان توسط دولت‌ها تأکید کرده‌اند. البته بعضی از اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان و اعلامیه شورای اروپا در

مورد آزادی بیان و اطلاعات، به طور شفاف به لزوم تضمین حق آزادی بیان توسط دولت‌ها تصریح نکرده‌اند؛^{۴۱} با وجود این، با توجه به اینکه بهره‌مندی از حق آزادی بیان در بسیاری از موارد، مستلزم مداخله دولت است نباید در لزوم دخالت فعال دولت‌ها برای تضمین این حق تردید کرد.

۴. نتیجه‌گیری

اگرچه حق آزادی بیان جزء اولین حقوقی است که در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است، اما تعریف این حق و حتی اهمیت جنبه‌های مختلف آن در گذر زمان تغییر کرده است. مثلاً اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ فقط شهروندان فرانسه را بهره‌مند از حقوق بشر و از جمله حق آزادی بیان دانسته است؛ در حالی که امروزه بر اساس اسناد بین‌المللی و به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب اکثر کشورها رسیده است، بهره‌مندی از حقوق بشر و از جمله حق آزادی بیان شامل تمام انسان‌ها است. از جمله تغییرات دیگر در زمینه حق آزادی بیان اینکه در ابتدای جنبش جهانی حقوق بشر و به‌ویژه در چارچوب سازمان ملل متحد، بیشتر بر حق آزادی اطلاعات تأکید می‌شد، اما امروزه در کنار حق آزادی اطلاعات به سایر جنبه‌های حق آزادی بیان نیز توجه می‌شود. در مورد تعریف و گستره حق آزادی بیان نیز می‌توان گفت که در زمان معاصر، بسیاری از اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، تعاریف بسیار مشابهی از حق آزادی بیان ارائه داده‌اند. در ضمن، این تعاریف از جامعیت خوبی برخوردار هستند به طوری که تمام اجزاء و جنبه‌های مختلف این حق را در بر می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان گفت حق آزادی بیان متضمن این نکات است: ۱. هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی از حق آزادی بیان بهره‌مند هستند، ۲. این حق هم شامل حق جستجو و دریافت اطلاعات و نظرها و هم شامل حق اشاعه اطلاعات و نظرها است. ۳. سکوت کردن نیز جزئی از این حق محسوب می‌شود، ۴. موضوع بیان هم می‌تواند اطلاعات و اخبار باشد و هم افکار و نظرات شخصی افراد، ۵. اظهار سخنان بی‌فایده و حتی آزاردهنده -

در صورتی که منجر به نقض محدودیت‌های مجاز آزادی بیان نشود. در چارچوب حق آزادی بیان قرار می‌گیرد، ۶. استفاده از حق آزادی بیان به مرزهای ملی محدود نمی‌شود، ۷. در اعمال این حق، می‌توان از هر وسیله‌ای استفاده کرد.

اما به‌رغم اینکه اکثر قریب به اتفاق اسناد بین‌المللی متضمن نکات فوق هستند، بعضی از اسناد بین‌المللی و به‌ویژه اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام، تعریف دقیقی از این حق ارائه نداده‌اند. با وجود این، به نظر نمی‌رسد این اعلامیه بتواند ناقض تعریف آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و به‌ویژه تعریف مذکور در میثاق حقوق مدنی و سیاسی باشد؛ زیرا اولاً این اعلامیه یک سند الزام‌آور نیست، در ثانی، اکثر قریب به اتفاق کشورهای صادرکننده اعلامیه قاهره به میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوسته‌اند و آخر اینکه، قوانین داخلی بسیاری از این کشورها حق آزادی بیان را به شکلی گسترده پذیرفته‌اند.

در پایان، باید یادآوری کرد که شناخت دقیق گستره حق آزادی بیان مستلزم آن است که علاوه بر شناخت اجزاء تشکیل‌دهنده این حق که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت، شرایط محدود کردن این حق و به‌ویژه اهداف مجاز برای اعمال چنین محدودیتی را نیز بررسی کرد. این موضوعات بحث مفصلی را می‌طلبد که در این نوشتار فرصت آن نبود.

پی‌نوشت‌ها

^۱. Magna Carta or Magna Charta

ماگنا کارتا یا منشور بزرگ آزادی، منشوری است که در سال ۱۲۱۵ میلادی توسط پادشاه انگلستان صادر شده است. این منشور، پادشاه را متعهد می‌کرد بخشی از حقوق حاکمیتی خود را واگذار کند و به تشکیلات قانونی احترام بگذارد. (Davis, ۱۹۸۹: ۱-۲)

^۲. این منشور به فرمان کورش، پادشاه بزرگ هخامنشی ایران و بعد از جنگ با بابل در سال ۵۳۸ پیش از میلاد و در تضمین حقوق مردم بابل صادر شده است. (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲، ۹)

^۳. French: Déclaration des droits de l'Homme et du Citoyen

^۴. تا کنون ۱۶۸ کشور به میثاق حقوق مدنی و سیاسی پیوسته‌اند.

^۵. همچنین نگاه کنید به:

UN General Assembly Resolution ۱۱۰(II), ۱۹۴۷: ۱; UN General Assembly Resolution ۱۲۷(II), ۱۹۴۷: ۲.

^۶. John Stuart Mill, ۱۸۰۶-۱۸۷۳.

^۷. گزارشگر آزادی بیان این معیارها را این‌گونه نام‌گذاری کرده است: «قانونی بودن (legality)، مشروعیت (legitimacy)، تناسب و ضرورت دموکراتیک (proportionality and democratic necessity)» (Hussain, ۱۹۹۴: ۴۱).

^۸. Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities

این کمیسیون در سال ۱۹۹۹ به کمیسیون فرعی ترویج و حمایت از حقوق بشر* تغییر نام داد. با جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۶، کمیسیون فرعی آخرین جلسه خود را در آگوست ۲۰۰۶ تشکیل داد و دیگر وجود ندارد.

* Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights

^۹. Louis Joinet

^{۱۰}. E/CN.۴/Sub.۲/۱۹۸۷/۱۵, annex I

^{۱۱}. Danilo Türk

^{۱۲}. E/CN.۴/Sub.۲/۱۹۸۹/۲۶

^{۱۳}. E/CN.۴/Sub.۲/۱۹۹۰/۱۱

گزارشگران فوق، گزارش نهایی خود را در سال ۱۹۹۲ به کمیسیون فرعی ارائه دادند:

E/CN.۴/Sub.۲/۱۹۹۲/۹ and Add.۱

^{۱۴}. Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression

^{۱۵}. Representative on Freedom of the Media

^{۱۶}. Special Rapporteur for Freedom of Expression

^{۱۷}. Special Rapporteur on Freedom of Expression

عنوان این گزارشگر از سال ۲۰۰۷ به گزارشگر ویژه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات تغییر کرده

است: Special Rapporteur on Freedom of Expression and Access to Information

^{۱۸}. بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بیان می‌کند: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.»

^{۱۹}. Everyone shall have the right to freedom of expression.

^{۲۰}. طبق ماده ۲۵ میثاق، حق رأی دادن و حق کاندید شدن مخصوص اتباع کشور است.

^{۲۱}. منشور عربی حقوق بشر، حق آزادی بیان را برای پیروان تمام ادیان به رسمیت شناخته است.

^{۲۲}. Human

^{۲۳}. self-determination

^{۲۴}. this right shall include freedom to seek, receive and impart information and ideas.

^{۲۵}. البته بعضی از اسناد در این خصوص، صراحت یا شفافیت کافی را ندارند. مثلاً ماده ۴ اعلامیه

آمریکایی حقوق و وظایف انسان (American Declaration of the Rights and Duties of Man) به جای

عبارت «حق جستجو و دریافت اطلاعات» از اصطلاح «حق تحقیق» (investigation) استفاده کرده

است. بند «ج» ماده ۲۲ اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام نیز به‌جای «حق جستجو و دریافت اطلاعات» از این عبارت استفاده کرده است که: «اطلاعات، یک نیاز اساسی جامعه است.»

^{۲۶}. The Johannesburg Principles on National Security, Freedom of Expression and Access to Information

^{۲۷}. این اصول توسط گروهی از متخصصان حقوق بشر تهیه شده و در گزارش‌های متعدد گزارشگر آزادی بیان مورد استناد قرار گرفته است. (Hussain, ۱۹۹۶: Annex)

برای اطلاع از تلاش‌های بین‌المللی در خصوص تعریف، تشریح و تضمین حق آزادی اطلاعات نگاه کنید به گزارش گزارشگر آزادی بیان به شصت و یکمین جلسه کمیسیون حقوق بشر. (Ligabo, ۲۰۰۵: ۱۷-۲۲)

^{۲۸}. this right shall include ... information and ideas of all kinds.

^{۲۹}. offend, shock or disturb the State or any sector of the population

^{۳۰}. information

^{۳۱}. ideas

^{۳۲}. De Meyer

^{۳۳}. البته لازم به ذکر است که تقبیح و تحسین دیگران باید مؤدبانه و مبتنی بر واقعیات باشد چراکه به‌موجب اسناد بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی کشورها، توهین و افترا از محدودیت‌های آزادی بیان هستند. (سودمندی، ۱۳۹۰: ۶۲)

^{۳۴}. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به بند ۵.۳.

^{۳۵}. ماده ۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها نیز فقط به حق دریافت اطلاعات و اشاعه نظرها اشاره کرده است؛ به عبارت دیگر، این منشور به اشاعه اطلاعات و دریافت نظرها تصریح نکرده است. البته با توجه به اینکه اشاعه نظر منجر به دریافت نظر توسط دیگران، و دریافت اطلاعات منوط به اشاعه اطلاعات توسط دیگران است می‌توان گفت این معاهده نیز جامعیت اسناد دیگر را دارد.

^{۳۶}. regardless of frontiers

^{۳۷}. either orally, in writing or in print, in the form of art, or through any other media of his choice

^{۳۸}. این اعلامیه اصولاً در خصوص رسانه‌های جمعی است و به ابزار آزادی بیان اشاره نکرده است.

^{۳۹}. to respect and to ensure

^{۴۰}. اصولاً حقوق‌دانان، حقوق مدنی و سیاسی (نسل اول حقوق بشر) را حقوق منفی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر) را حقوق مثبت تلقی می‌کنند؛ اما نباید تردید کرد که تمام مصادیق حقوق بشر دارای هر دو جنبه مثبت و منفی هستند؛ هرچند در نسل اول، جنبه منفی اولویت دارد و در نسل دوم، جنبه مثبت. (Jonathan, ۱۹۸۵: ۲۹۷-۲۹۸)

^{۴۱}. البته در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر به تأمین (secure) جهانی بودن، شناسایی و رعایت حقوق اعلامیه اشاره شده است. مقدمه اعلامیه آمریکایی حقوق و وظایف انسان نیز به لزوم وجود

تضمین‌هایی (guarantees) برای تأیید حقوق بشر در نظام‌های داخلی اشاره کرده است. ماده ۳(ه) اعلامیه شورای اروپا در مورد آزادی بیان و اطلاعات نیز به تضمین بعضی از جنبه‌های حق آزادی اطلاعات اشاره کرده است. این عبارات، به‌طور ضمنی حاکی از لزوم تضمین حقوق مذکور در این اسناد توسط دولت است.

منابع

الف. فارسی

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۰). تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲). «آزادی بیان (بر اساس سخنرانی آقای سروش)»، بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، پیاپی ۳۷: ۷-۱۹.

سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۰). «افترا و ممنوعیت آن در نظام حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۱، ۶۱-۸۲.

سید فاطمی، سیدمحمد قاری (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

صفایی، سیدحسین (۱۳۷۰). «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۲۷، ۱-۱۵.

مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۸۴). گزیده‌ای از کتاب منشور کورش هخامنشی، کمیته بین‌المللی نجات پاسارگاد، قابل دسترسی در:

www.savepasargad.com/1.Far/Documents/cyrus/20declaration-qiyaas.htm (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.

ب. انگلیسی

- African charter on human and peoples' rights**, signed on ۲۷ June ۱۹۸۱, came into force on ۲۱ October ۱۹۸۶.
- American Convention on Human Rights**, signed on ۲۲ November ۱۹۶۹, came into force on ۱۸ July ۱۹۷۸.
- American Declaration of the Rights and Duties of Man**, adopted by the Ninth International Conference of American States, ۲ May ۱۹۴۸.
- Arab Charter on Human Rights**, signed on ۱۵ September ۱۹۹۴, came into force on ۱۵ March ۲۰۰۸.
- Articles of Confederation**, United States, ۱ March ۱۷۸۱, Available at:
http://avalon.law.yale.edu/18th_century/artconf.asp.
 (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- Constitution of North Carolina**, ۱۷۷۶, Available at:
http://avalon.law.yale.edu/18th_century/nc07.asp.
 (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- Convention on the Right of the Child**, adopted by General Assembly resolution ۴۴/۲۵ of ۲۰ November ۱۹۸۹, came into force on ۲ September ۱۹۹۰.
- Davis, G. R. C. (۱۹۸۹). *Magna Carta*, Available at:
<http://www.fordham.edu/halsall/source/magnacarta.html>.
 (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- Declaration of the Rights of Man and of the Citizen** (French: Déclaration des droits de l'Homme et du Citoyen), National Assembly of France, ۱۷۸۹.
- Declaration on the Freedom of Expression and Information**, adopted by the Committee of Ministers of the Council of Europe on ۲۹ April ۱۹۸۲, at its ۷۰th Session.
- European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms**, signed on ۴ November ۱۹۵۰, came into force on ۳ September ۱۹۵۳.
- European Convention on Transfrontier Television**, signed on ۵ May ۱۹۸۹, came into force on ۱ May ۱۹۹۳.
- European Court of Human Rights (۱۹۷۶), **Handyside v. the United Kingdom**, (Application No. ۵۴۹۳/۷۲), Judgment of ۷ December ۱۹۷۶.

- European Court of Human Rights (۱۹۸۸), **Muller and Others v. Switzerland**, (Application No. ۱۰۷۳۷/۸۴), Judgment of ۲۴ May ۱۹۸۸.
- European Court of Human Rights (۱۹۹۰), **Autronic AG v. Switzerland**, (Application No. ۱۲۷۲۶/۸۷), Judgment of ۲۲ May ۱۹۹۰.
- Hussain A. (۱۹۹۴), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۱۹۹۴/۳۳.
- Hussain A. (۱۹۹۵), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۱۹۹۵/۳۲.
- Hussain A. (۱۹۹۶), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۱۹۹۶/۳۹.
- Hussain A. (۱۹۹۹), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۱۹۹۹/۶۴.
- Hussain A. (۲۰۰۱), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۲۰۰۱/۶۴.
- Inter-American Declaration of Principles on Freedom of Expression**, approved by the Inter-American Commission on Human Rights during its ۱۰th regular session, ۲۰۰۰.
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination**, adopted by General Assembly resolution ۲۱۰۶(XX) of ۲۱ December ۱۹۶۵, came into force on ۴ January ۱۹۶۹.
- International Convention on the Protection of the Rights of All Migrant Workers and Members of their Families**, adopted by General Assembly resolution ۴۵/۱۵۸ of ۱۸ December ۱۹۹۰, came into force on ۱ July ۲۰۰۳.
- International Covenant on Civil and Political Rights**, adopted by General Assembly resolution ۲۲۰۰A (XXI) of ۱۶ December ۱۹۶۶, came into force on ۲۳ March ۱۹۷۶.

- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights**, adopted by General Assembly resolution ۲۲۰۰A (XXI) of ۱۶ December ۱۹۶۶, came into force on ۳ January ۱۹۷۶.
- Jahangir A. and Diène D. (۲۰۰۶), **Report of the UN Special Rapporteur on freedom of religion or belief, and the UN Special Rapporteur on contemporary forms of racism, racial discrimination, xenophobia and related intolerance**, UN Doc. A/HRC/۲/۳.
- Jonathan, G. C. (۱۹۸۵). "Human Rights Covenants", **Encyclopedia of Public International Law**, Vol. ۸: ۲۹۷-۳۰۳.
- Ligabo A. (۲۰۰۵), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۲۰۰۵/۶۴.
- Ligabo A. (۲۰۰۶), **Report of the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, UN Doc. E/CN.۴/۲۰۰۶/۵۵.
- Mill, J. S. (۱۸۵۹). **On Liberty**, Available at: www.utilitarianism.com/ol/one.html. (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- Simons, D. (۲۰۰۶). **Central Asian Pocketbook on Freedom of Expression**, London: ARTICLE ۱۹, Available at: www.article19.org/pdfs/tools/central-asian-pocketbook.pdf. (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- The Cairo Declaration on Human Rights in Islam**, adopted and Issued at the Nineteenth Islamic Conference of Foreign Ministers of Member States of the Organization of the Islamic Conference, Cairo, ۵ August ۱۹۹۰.
- The United States Constitution** (and its Amendments), ۱۷۸۷, Available at: www.usconstitution.net/const.html. (۲۰/۰۶/۱۳۹۱)
- UN Commission on Human Rights Resolution ۱۹۹۳/۴۵**, ۵ March ۱۹۹۳, UN Doc. E/CN.۴/RES/۱۹۹۳/۴۵.
- UN General Assembly Resolution ۱۱۰(II)**, ۳ November ۱۹۴۷ UN Doc. A/RES/۱۱۰ (II).

UN General Assembly Resolution ۱۲۷(II), ۱۵ November ۱۹۴۷,
UN Doc. A/RES/۱۲۷ (II).

UN General Assembly Resolution ۵۹(I), ۱۴ December ۱۹۴۶,
UN Doc. A/RES/۵۹ (I).

UN Human Rights Committee (۱۹۸۹), Communications Nos.
۳۵۹/۱۹۸۹ and ۳۸۵/۱۹۸۹, UN Doc. CCPR/C/۴۷/D/۳۵۹/۱۹۸۹
and ۳۸۵/۱۹۸۹/Rev.۱.

Universal Declaration of Human Rights, proclaimed by
General Assembly resolution ۲۱۷A of ۱۰ December ۱۹۴۸.
US Supreme Court (۱۹۷۷), **Wooley v. Maynard**, ۴۳۰ U.S. ۷۰۵.